تحلیل

شکست در سومالی

جان پرندرگاس
ترجمه: حسن بنانج

سومالی ـ به دلیل بیکاری شایع، محدودیت‌های مسافرتی و عدم وجود دولت یا سرمایه‌گذاری خارجی ـ سرزمین رویایی القاعده برای استخدام نیرو است و جوانان سومالیایی برای به دست آوردن درآمد و گاهی نیز به دلیل داشتن ایدئولوژی مشترک با القاعده، به تروریسم روی خواهند آورد. مدارس که توسط مراکز خیریه اسلامی اداره می‌شوند، تعداد زیادی از دانش‌آموزان را که به جای سومالیایی زبان عربی می‌آموزند، تربیت می‌کنند در حالی که چشم‌انداز روشنی برای اشتغال آنان وجود ندارد. دلالان مواد مخدر و شبه‌نظامیان هم که برای از سرگیری نزاع بر سر منافع اقتصادی به راحتی می‌توانند نیرو استخدام کنند، این منطقه را بی‌ثبات‌تر کرده و بذر رادیکالیسم می‌پاشند. رویکرد ضدتروریستی آمریکا در سومالی نتیجه نمی‌دهد: رهبران القاعده که از سوی آمریکا تحت تعقیب هستند، همچنان در این کشور حضوری گسترده دارند و اسلام‌گرایان در پی حوادثی نظیر نمایش اخیر، به تدریج علیه شبه‌نظامیان تحت حمایت آمریکا موضع می‌گیرند. با افزایش این هم‌صدایی که درست یا غلط آمریکا و جنگ‌سالاران را در بروز جنگ مقصر می‌داند، افکار عمومی در موگادیشو به نفع اسلام‌گرایان تغییر جهت داده است. در ماه آوریل آمریکا شیوه‌ای دیگر را در دستور کار قرار داد. آمریکا رهبران قبایلی و سیاسی را به گفت‌وگو در کنیا دعوت کرد و خواستار کمک آنان در راستای ناکام گذاشتن رویای بهشت امن القاعده شد. اما به محض بازگشت این رهبران به موگادیشو، جنگ آغاز شد. گویی یک دست آمریکا از حال دست دیگر خبر نداشت و نمی‌دانست که در حال انجام چه کاری است. یک تلاش موفق ضدتروریستی مستلزم این است که آمریکا تهدیدات نظامی و سیاسی را در راستای یک استراتژی منسجم برای طرحی گسترده‌تر در کنار یکدیگر مورد توجه قرار دهد. مقامات غیررسمی آمریکا و مسئولان سایر دولت‌های حاضر در منطقه همگی به من گفتند که اهداف ضدتروریستی بلندمدت حاصل نمی‌شوند مگر با سرمایه‌گذاری آمریکا روی روند صلح در سومالی. تاکنون وزارت خارجه آمریکا تنها یک نماینده تمام وقت ـ از کشور همسایگی کنیا ـ در سومالی داشته است. حوزه عمل دولت انتقالی ضعیف سومالی نیز به مرکز شهر بی‌ثبات «بویدا» که همچنان تلاش می‌کند تا بر اختلافات داخلی فائق آید، محدود است. دولت بر سر کار که بتواند تضمین کند امنیت، یک سناریوی برد- برد برای آمریکا و سومالی خواهد بود، قادر است تشکیلات دولتی را برای مواجهه با جنایتکاری و تندرویی که روند پیشرفت در این کشور را مضمحل می‌سازند، مورد خطاب قرار دهد. استمرار جنگ میان عناصر اسلام‌گرا و جنگ‌سالاران تحت حمایت آمریکا تخم نفرت خواهد کاشت، نیروهای تازه‌نفس را به سوی آرمان افراطی‌گری سوق خواهد داد و زمینه را برای تربیت شبه‌نظامیانی جدید فراهم خواهد آورد. آمریکا دیگر نمی‌تواند از دخالت مستقیم و عمیق در روند بازسازی سومالی سر باز زند. این به نفع امنیت ملی ما است که چنین رویه‌ای را در پیش گیریم.

بخش پایانی

ترکمنستان؛ نگاهی از درون

فجایع آشکار در کشوری پنهان

زینو باران*
ترجمه: محمدحسین باقی

تمسخر تلویزیون دولتی ترکمنستان امری مضحک به نظر می‌آید، اما ممکن است به بینندگان اندکی احساس رضایت ببخشد. دیدن منظره‌ای که در آن «قربان‌بی‌بی آقاجانوف» دادستان کل دولتی که به بانوی آهنین ملقب است، در حالی که روانه زندان می‌شود و به التماس و گریه و زاری افتاده، برای بینندگان تلویزیون رضایت‌بخش است. قربان‌بی‌بی متهم به دارا بودن ۲۵ باب خانه، ۳۶ اتومبیل و ۲ هزار راس گوسفند است. در سال‌های اخیر خانم آقاجانوف به تصفیه‌های نظام‌مندی دست زده بود و افرادی را که سعی در به چالش کشیدن یا محدود کردن پرزیدنت «صفرمراد نیازاف» ترکمن‌باشی یا «پدر ترکمن‌ها» را داشتند، حذف می‌کرد و از بین می‌برد.

البته آنچه که توسط تلویزیون دولتی اعلام نشد این بود که در همان روز «نیازاف» مورد سوءقصد قرار گرفت. یک سازمان حقوق بشری مستقر در لندن به نام «ناظر جهانی» او را متهم به غارت بسیاری از درآمدهای گازی کشور که سالانه حدود ۲ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود، کرد و گفت که وی آنها را در حساب‌های خارجی خود پنهان کرده است. یکی از ناظران مطلع داخلی میزان یکی از این غارت‌ها را ۴ میلیارد دلار بیان کرده است.

در مورد این موضوعات نمی‌توان در ترکمنستان بحث کرد. هرگونه انتقاد یا مخالفتی به مثابه خیانت به کشور تلقی شده و مجازات آن حبس‌های طویل‌المدت، حبس در تیمارستان‌ها یا تبعید به سواحل نمکی خشک دریای خزر است. مکالمات خصوصی در هر کجا که باشد به وسیله جاسوسان، ابزارهای جاسوسی و استراق سمع تحت نظارت قرار می‌گیرد. ای‌میل‌ها تحت کنترل است (البته تنها یک سرویس‌دهنده خدمات اینترنتی در این کشور وجود دارد) و دسترسی به اینترنت نیز بسیار محدود است؛ بررسی‌ها از پایتخت این کشور نشان می‌دهد که هیچکس راغب به پذیرفتن و کار کردن در حوزه خدمات عمومی نیست. نظارت- البته به طور سفت و سخت- پس از تلاش برای کودتای نافرجام سال ۲۰۰۲ شدت یافته است.

عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان، شاهکار عالی ساختمان‌های نئواستالینیستی و کاخ مرمرین و درخشانی است با تصاویر بزرگ و مجسمه طلایی ترکمن‌باشی که در همه جا به چشم می‌خورد. این مجسمه که یک دست آن به آسمان بلند است دائماً به صورت ۳۶۰ درجه در حال گردش است تا چهره‌اش رو به آفتاب باشد. در پشت این زیبایی واقعیتی شوم نهفته است: مسیرهایی ناهموار از اتوبان‌های چهاربانده که به منازلی بی‌پنجره و تک‌اتاقی امتداد می‌یابد و از جمله مسیرهای ناهموار و متغیر راه‌آهن را می‌توان نام برد که در میان حیوانات و زباله‌ها محصور است. بسیاری از این منازل محل سکونت کسانی است که خانه‌هایشان - و تمام محلاتشان- برای «نوسازی» نابود شده و هیچ خسارتی هم به ایشان پرداخت نشده است. در یکی از این خانه‌ها زنی میانسال در تلاش است تا خواهرزاده‌اش را بزرگ کند (چرا که خواهرش همچون بسیاری دیگر در ترکمنستان که به هروئین معتادند بیمار است) اما «اولگا» نیز کار خود را تحت قوانین جدید از دست داده است به این دلیل که از نسل ارمنی‌ها و اوکراینی‌ها است.

اینها همه اولویت رژیمی است که پول را برای پروژه‌های آنچنانی که سود آن تضمین شده نیست، هزینه می‌کند از جمله در مورد پیست اسکی روی یخ، دریاچه بسیار بزرگ مصنوعی و نیمه‌تمام، مساجد بسیار، کاخ‌های با گنبد طلایی و در آینده باغ وحشی جدید که با پنگوئن‌ها تکمیل خواهد شد- آن هم در کشوری که در تابستان آن دما به بالای ۵۰ درصد سانتیگراد می‌رسد. در همین حال بهداشت و آموزش عمومی- تنها میراث ارزشمند به جا مانده از اتحاد شوروی که ترکمنستان در سال ۱۹۹۱ از آن مستقل شد- همگی وجود دارد اما به صورت متلاشی شده. چشم‌انداز امروز حتی ناامیدکننده‌تر از گذشته است. در ژانویه مستمری صدهزار نفر منتفی شد، مستمری ۲۵۰ هزار نفر دیگر شدیداً کاهش یافت و مزایای مربوط به بیماری و پیری نیز قطع شد. این میزان کاهش منجر به اعتراضاتی شد از جمله اعتراضاتی در شهر بندری ترکمن‌باشی که منجر به بریدن دست مجسمه نیازاف (در مرو) و پاشیدن فضولات بر روی آن شد.

در ماه آوریل نیازاف «اصلاحات» آتی در مورد سرویس بهداشتی واقعاً افتضاح‌آور شهر را اعلام کرد و مسائل جدیدی را مطرح کرد که اندک سرویس‌های باقی مانده را هم غیرقابل دسترس‌تر می‌کرد. بسیاری از بیمارستان‌های خارج از شهر تعطیل شدند و آن تعداد باقی مانده تنها خدمات کلی را ارائه می‌دهند و به خاطر فقدان پرسنل، تجهیزات و دارو در مضیقه‌اند. همین مسئله منجر به مرگ بسیاری به خاطر بیماری‌های مشترک قابل درمان همچون سل شده است. دلیل این امر هم فقدان تجهیزات پیش گفته است.

■ **آموزش حتی بدتر از این**

دوشنبه هر هفته ساعت هشت صبح بچه‌های مدارس ترکمنستان برای یاد کردن سوگند وفاداری به رئیس جمهور - به عنوان بخشی از برنامه آموزشی جوانان- به صف می‌ایستند که این امر به طور گسترده‌ای در حال جایگزین شدن به جای برنامه‌های رسمی آموزشی است. محور آن هم کتاب دوجلدی روح‌نما (Ruhnama) یا «کتاب روح» است، مجموعه‌ای ساده از اندیشه‌ها پیرامون تاریخ و فرهنگ ترکمنستان که دانش‌آموزان موظف به گذراندن و مطالعه آن هستند. نگاهی به کتابفروشی‌ها ردیف‌هایی خالی از قفسه‌هایی را نشان می‌دهد که تنها کتاب موجود در آن «آقای رئیس جمهور» است. ضمناً آموزش اجباری از ۱۰ سالگی به ۹ سالگی کاهش یافته و بیشتر کودکستان‌های واقع در روستاها به تعطیلی کشیده شده‌اند همانگونه که تمام کتابخانه‌های خارج از پایتخت به تعطیلی رفته‌اند. تدریس و آموزش زبان روسی به شدت کاهش یافته، مدارس موسیقی و باله تعطیل شده و تقریباً تمام معلمینی که ریشه‌های قومی متفاوتی دارند زیر فشار شدید سیاست‌های «قوم‌گرایانه ترکمنی» اخراج شده‌اند. این سیاست‌ها به دنبال پاکسازی نژادی برای تمام کارگران نهادهای دولتی از جمله بیمارستان‌ها است که تا سه پیش را دربرمی‌گیرد.

در آموزش عالی که دوره آن کاملاً به سر آمده است، ورودی سالانه هم‌اکنون زیر سه هزار نفر است- یک‌دهم کشورهای پیشین استقلال‌یافته- و دوره‌های دانشگاه به دو سال کاهش یافته و استانداردها آنقدر پایین است که در هیچ‌یک از کشورهای خارجی قابل قبول نیست. بدتر اینکه رئیس‌جمهور دستور داده است که هیچ مدرک خارجی از هم‌اکنون به رسمیت شناخته نشود. هر کسی که دارای مدرکی از خارج باشد یا اخراج می‌شود یا شغلی به او داده نمی‌شود. یک اقتصاددان می‌گوید که غیر از دو کلاس دبیرستانی ۳۰ نفری‌اش همگی مهاجرت کرده‌اند بدین خاطر که هیچ آینده‌ای را در داخل پیش روی خود نمی‌بینند. وی ادامه می‌دهد: «شما دانش‌آموختگانی دارید که دارای مدارکی از بهترین دانشگاه‌های جهان هستند- مثلاً دکترا از استانفورد- که نمی‌توانند کاری بیابند.» استاد دیگری می‌گوید: «ما آخرین نسل فارغ‌التحصیلان هستیم.»

در مناطق روستایی اما مشکلات مختلف است. پنبه مهم‌ترین محصول است، اما به خاطر نیاز به فروش، آن هم با قیمت دولتی بسیار پایین در وضعیتی اسفناک است، این بدین معنا است که کشاورزان درآمد سالانه‌ای نزدیک به ۱۰۰ دلار دارند. تخمین زده می‌شود که بیکاری با اخراج‌های فزاینده بخش عمومی و قوانینی که جویندگان کار را فقط به شهر محل سکونت خود محدود می‌کند به بیش از ۷۰ درصد برسد. فشار جهت یافتن کار رشوه دادن را به صورت یک معیار درآورده است. یک ترکمن می‌گوید: حتی زنان نظامی محجبه، خیابان‌های عشق‌آباد را با جارو نظافت می‌کنند که اینها نیز مجبورند برای این کار پولی هم به مقامات بپردازند.

با وجود نارضایتی گسترده از رژیم بسیاری از ترکمن‌ها راهی برای گریز از این وضعیت نمی‌یابند. به دلیل میزان ترس و سرکوب، شورش نیز به نظر غیرممکن می‌آید. مزایای دولتی (گاز و برق مجانی، اخذ مبالغ هنگفت جهت دریافت سوخت، از آنجا که گاز و نفت تنها درآمد ترکمنستان است) حتی باعث دادن برخی تخفیف‌ها نیز نمی‌شود. به علاوه مردم به وسیله ماشین تبلیغاتی رژیم دائماً شست‌وشوی مغزی می‌شوند که این امر به وسیله کانال‌های تلویزیونی دولتی، دو ایستگاه رادیویی و چندین روزنامه که ایده «عصر طلایی» را تبلیغ می‌کنند، اعمال می‌شود. گروه‌های تبعیدی اپوزیسیون نیز تاثیر اندکی دارند و فشار از خارج ـ به دلیل منابع معدنی غنی ترکمنستان- به طور شرم‌آوری پایین است.

البته نظرات مختلفی در مورد سلامتی ترکمن‌باشی ۶۶ساله مطرح است. وی عمل قلب داشته و گروهی هشت‌نفره از پزشکان حاذق آلمانی گرد خود دارد که در مواقع لزوم با یک تلفن حاضرند. این موضوع مشکلات دیگری را دامن می‌زند و آشکارا با فقدان سازوکار سالم و منظم انتقال قدرت و فقدان سنت دموکراتیک در یک جامعه قبیله‌ای محافظه‌کار همراه است.

برخی ترکمن‌ها از این در واهمه‌اند که نسل گمشده و بی‌سواد «روح‌نما» خوان ممکن است به رادیکالیسم مذهبی درغلتد و دولتی ناکام و ناکارآمد ایجاد کند به طوری که منطقه بی‌ثبات را بی‌ثبات‌تر کند.

منبع: اکونومیست؛ شماره ۸۴۷۹

اشاره

سیاستِ سیاسی شدن

امیرهوشنگ افتخاری‌راد

سیاست از آن دست معدود مفاهیمی است که حیطه فراگیری دارد و در واقع در همه جا و همه زمان‌ها یافت می‌شود؛ از عرصه تخصصی که به حوزه فیلسوفان تعلق دارد تا عوام همه و همه آن را به کار می‌برند. هر چند که تعریف دقیقی برای آن ارائه ندهند. فراگیرترین عبارتی که درباره واژه سیاست مردم به زبان می‌آورند، این است که «سیاست، پدر و مادر ندارد». در واقع معنای دقیقی که می‌توان از این عبارت مستفاد کرد، دسیسه است. یعنی سیاست به معنای دسیسه‌کاری. اما وقتی می‌گوییم «پدر و مادر ندارد» بدترین خصلت را به آن تقدیم کرده‌ایم: حرام‌زادگی. بدین ترتیب مردم از آن انتقام سختی می‌گیرند. حرام‌زاده بودن معمولاً در جوامع هیچ نوع مشروعیت و رسمیتی ندارد و مردم وقتی آن را به کار می‌برند، بدترین نوع تحقیر را رواداشته‌اند. به عبارتی می‌گویند هیچ حق و حقوقی ندارد و شایسته هیچ زیستی نیست. اما اگرچه در جوامع بتوان با الصاق صفت حرام‌زادگی، افرادی را از هستی ساقط کرد اما می‌بینیم که همین سیاست درست با هستی خود انسان گره خورده است و گاه آن را در مقام «وجود» او تبیین می‌کنند.

گاهی چیزهای فاقد محتوا از فرط تکرار، محتوا پیدا می‌کنند. این تکرارپذیری (iterability)، «چیزها» را واجد محتوا و حتی معنا می‌کند. به عبارتی فرم‌ها یا شکل‌های بی‌محتوا در اثر تکرارپذیری در آینده محتوا می‌یابند. درست به همین دلیل عبارت «سیاست، پدر و مادر ندارد» بعدها واجد محتوا و معنا شد. حضور همه‌جانبه آن نیز موید این نکته است. همچنین است پند و اندرز یا فرمان پدران و مادران به فرزندان، خصوصاً مواقعی که حاکمیت‌ها سختگیرانه کرنش می‌کنند، مبنی بر این عنوان می‌شنویم که «هر کاری می‌خواهید بکنید اما کاری به سیاست نداشته باشید» یعنی «سیاسی نشوید». فرزندان صالح اندرز می‌گیرند که کاری به آن حرام‌زاده و نامشروع نداشته باشند. طرفه آنکه از طریق تکرارپذیری «سیاسی نشوید» اتفاقاً ابتدا فقدان چیزی به نام سیاست را یادآور می‌شود و سپس همه چیزها در پی این نامشروع، سیاسی می‌شوند یا بهتر سیاسی‌سازی می‌شوند (politization). «سیاسی‌سازی» هم از آن دست مفاهیمی است که در میان مردم عموماً منفور است. اغلب شکوه می‌کنند که «می‌خواهند همه چیز را سیاسی کنند». مثلاً چرا باید فوتبال سیاسی شود؟ چرا باید یک مسئله حقوقی، سیاسی شود؟ چرا باید فلان و بهمان سیاسی شود؟ این نکته تداعی‌کننده این است که سیاست، چیزها را به ابتذال می‌کشد اما در میان تمام این شکوه‌ها، باز هم همه چیز سیاسی می‌شود. زیرا به‌رغم آنچه گفته شد، همه چیز سیاسی است؛ بنابر این می‌توانیم از سیاست سیاسی شدن سخن بگوییم که تنها در وقت لزوم آن سیاست در معنای فراگیر پتانسیل سیاسی شدن می‌یابد. شاید این گفته تکرار سخن ارسطو است: «انسان، حیوانی سیاسی است.»

اطلاعیه پیش فروش شرکت سایپا دیزل

گروه خودرو سازی سایپا

سایپا دیزل

شرکت سایپا دیزل در راستای اجرای سیاست های نوسازی ناوگان حمل و نقل مسافری با حمایت سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای کشور اقدام به پیش فروش میدی باس جدید با فن آوری روز می نماید.

شرایط فروش :

نام محصول	منبع تامین تسهیلات	قیمت با احتساب ۳٪ عوارض و مالیات	پیش پرداخت	مبلغ پرداختی زمان عقد قرارداد	تسهیلات		
					میزان وام	با بهره	بازپرداخت
F33(فول)	لیزینگ پارسیان	۵۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۷۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۸۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۱۶	۵ ساله
S30 (ساده)	لیزینگ پارسیان	۴۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰	٪۱۶	۵ ساله

مدارک مورد نیاز عمومی

۱- چک بانکی به مبلغ پیش پرداخت در وجه شرکت سایپا دیزل
۲- اصل شناسنامه به همراه کپی
۳- اصل گواهینامه به همراه کپی
۴- ارائه کد ملی و کدپستی ده رقمی

مدارک اختصاصی افراد حقوقی

۱- فتوکپی آگهی تاسیس
۲- فتوکپی آخرین روزنامه رسمی

موتور کامینز(CUMMINS) ، ۶ سیلندر با قدرت ۲۶۰ اسب بخار
گیربکس سنکرونیزه ۶+۱
استاندارد آلایندگی EURO II
ظرفیت سرنشین ۳۱+۱+۱
سیستم ترمز ضد قفل ABS
تاخوگراف ، رادیو پخش ، تلویزیون LCD
آینه های جلو برقی ، سیستم تهویه مطبوع

موتور:٤ سیلندر ، ۱۸۰اسب بخار
استاندارد آلایندگی:EUROII
گیربکس:۶+۱ سنکرونیزه
ترمزها مجهز به سیستم ضد قفل WABCO.ABS
ظرفیت سرنشین ۲۹+۱
تاخو گراف

مزیت رقابتی :

- ✓ نسل جدید میدی باس با ساختاری زیبا و مستحکم
- ✓ برترین شبکه خدمات پس از فروش خودروهای سنگین و نیمه سنگین کشور در سالهای ۸۴-۸۳
- ✓ تسهیلات مناسب با ضمانت آسان
- ✓ اقتصادی تر از محصولات مشابه
- ✓ گستردگی خدمات پس از فروش در ۶۶ مرکز فعال در سراسر کشور

جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام :

به سازمان فروش شرکت سایپا دیزل واقع در کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج ، سه راه اندیشه ، کیلومتر ۳ ، خیابان سالمندان قدس و یا یکی از نمایندگی های شرکت سایپا دیزل و خدمات پس از فروش رنا در سراسر کشور مراجعه فرمایید.

تلفنهای تماس : ۳۸۳۵۹۵۱-۰۲۶۲ و ۱۷-۶۶۰۲۶۵۱۵-۰۲۱

www.saipadiesel.com
Email :customer@saipadiesel.com